

# نگاهی به عوامل خشونت علیه زنان

رحیم حمیدی



سنتی در جامعه ما گروه‌های همانند طالبان و دیگر گروه‌های مخالف مسلح دولت مانع گسترش سطح آگاهی زنان و مردان کشور بوده است.

نقش فساد در ادارات دولتی و به خصوص فساد در نهادهای آموزشی کمتر از نقش گروه‌های مخالف مسلح دولت نبوده است. نهادهای آموزشی بجای ارائه خدمات و انجام کارویژه‌های اساسی به دنبال ساخت کتاب، دانش آموز و معلمان خیالی بودند.

همین مسئله موجب شده است که تفاوت فاحشی در سطح آگاهی شهروندان نسبت به حقوق شان صورت نپذیرد. در آخر یادآوری این نکته ضروری به نظر می‌رسد، در یک و نیم دهه گذشته، زنان مغبول‌ترین و قابل پذیرش‌ترین سوزده برای فن‌گیری بوده است. نهادها و مؤسسات زیادی تحت عنوان حقوق زن و حقوق بشر ایجاد شد اما همه مؤسسات تنها به دنبال گرفتن پول بود. کمتر نهاد و مؤسسه‌ای که فعالیت حقوق بشری داشتند و برای حقوق زن کار می‌کردند کار بنیادی بودند.

اکثر نشان به دنبال گرفتن پول بودند تا بتواند از طریق آن به نان و نوایی برسد. دستاوردهای آن‌ها کوتاه مدت و مقطعی بوده است. بنابراین، دستاوردهای این تغییر خشونت علیه زنان داشته باشد. با این حال، خشونت علیه زنان داشته باشد. با این حال، آموزش تکنیک که حضور سمبلیک آن‌ها در عرصه سیاست رهگشا نیست. زنان باید در ماسست. سال‌ها جنگ منجر به ویرانی زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی کشور شده است. در دوره، این با وجود تلاش‌ها در عرصه افزایش سطح آگاهی شهروندان کشور، اما، گروه‌های سنتی همانند گروه طالبان و برخی دیگر گروه‌های تروریستی مانع گسترش آگاهی شهروندان بوده است. در واقع، در کنار سلطه گروه‌های

مدرن، گروه سنتی بر مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم است. به دیگر سخن، گروه سنتی بیشترین سهم را در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد. بسا وجود اینکه نظام دموکراتیک در کشور شکل گرفت و انتظار می‌رفت که گروه‌های سنتی جای خود را به گروه مدرن و طرفدار ارزش‌های جدید می‌داد. اما، از همان اول شکل‌گیری نظام جدید، در توافق بن حضور گروه سنتی چشمگیر بود. در یک و نیم دهه گذشته، حضور گروه‌های سنتی، همچنان پررنگ بوده است. اکنون نیز، معاملات کلان سیاسی، میان گروه‌های سنتی صورت می‌گیرد. حاکم بودن گروه‌های سنتی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عامل مهم در افزایش خشونت در علیه زنان است. به دو دلیل، اول اینکه گروه سنتی از بنیاد مخالف حضور زنان در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. آن‌ها زنان را در چهار دیواری خانه می‌خواهد و برای زنان تنها نقشی در خانه تعریف می‌کند. دوم اینکه گروه‌های سنتی حامل ارزش‌ها و باورهای سنتی است. ارزش‌ها و باورهای

دیگر، وارد مناسبات قدرت شد و نفوذ شان در عرصه‌های مختلف گسترش یافت. در دهه دموکراسی زنان دوباره فرصت حضور در عرصه عمومی و عرصه‌های دیگر یافت. در این دوره، شاهد حضور دوباره زنان در عرصه‌های مختلف می‌باشیم. در دوره کمونیست حضور آن‌ها ادامه داشت. دوره مجاهدین پایانی حضور زنان در عرصه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اداری بود. گروه طالبان به حضور زنان نقطه پایان گذاشت. این دوره را می‌توان دوره تاریک کشور نام نهاد. سقوط امارت اسلامی فرصت جدید برای حضور زنان در عرصه‌های مختلف بود. موسسات زیادی داخلی و بین المللی به منظور افزایش سطح آگاهی زنان و ارتقا ظرفیت آن‌ها و کاهش خشونت علیه زنان به فعالیت آغاز نمودند. اکنون بیش از یک و نیم دهه می‌گذرد اما همچنان آمار خشونت علیه زنان زیاد است. چند عامل بر افزایش خشونت علیه زنان وجود دارد که در ذیل به بررسی می‌گیرم. اول؛ جامعه افغانستان را به لحاظ گروه‌بندی اجتماعی می‌توان به دو گروه کلان تقسیم بندی نمود. گروه سنتی و گروه

دوم؛ تردیدها و تعلل‌های آشکاری را در مبارزه نظامی علیه گروه‌های شورشی ایجاد کرد. منع بمباران هوایی، ممنوعیت عملیات شبانه، تلاشی خانه‌ها و عملیات‌های نظامی وسیعی که پاکسازی مناطق و ولسوالی‌ها را از گروه‌های شورشی هدف قرار می‌دادند، جزو روندی بود که در چوکات صلح با طالبان تعقیب و پیگیری می‌شد.

سوم؛ این سیاست زمینه‌های خوبی را برای تحکیم پایگاه‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی طالبان در افغانستان فراهم ساخت و سردرگمی و بی‌انگیزگی نهادهای حکومتی و بخصوص نهادهای امنیتی را در برابر طالبان در پی آورد. این سردرگمی متأسفانه تا حالا دوام دارد و حکومت نتوانسته به یک گفت‌وگو واحد در برابر طالبان دست پیدا کند. پیروزی‌ها و پیشروی‌های مخالفان در ولایت‌های مختلف پیش از آن که ناشی از قدرت نظامی طالبان باشد؛ پیامد مستقیم سردرگمی، ناپسامانی و بی‌انگیزگی حکومت و نهادهای امنیتی کشوری باشد. بن بست صلح نیز از همین جا ناشی می‌شود. وقتی حکومت تعریفی از دشمن خود نداشته باشد، وقتی نداند که با کی مذاکره می‌کند، وقتی چوکات مذاکره و نقطه‌های سرخ، زرد و خاکستری آن مشخص نباشد؛ چگونه می‌توانیم به پیشرفت مذاکرات امیدوار باشیم.

آموزه رویکردهای مقامات بلندپایه و نهادهای گوناگون سیاسی و امنیتی کشور در برابر جنگ، صلح، طالبان و سایر گروه‌های شورشی متفاوت و در بسا موارد با تضاد و تناقض همراه می‌باشد. رئیس جدید شورای عالی صلح می‌گوید او از اول جنگ با طالبان را نه جایز می‌دانسته و نه مفید و به همین خاطر هیچگاه با طالبان وارد جنگ نشده است.

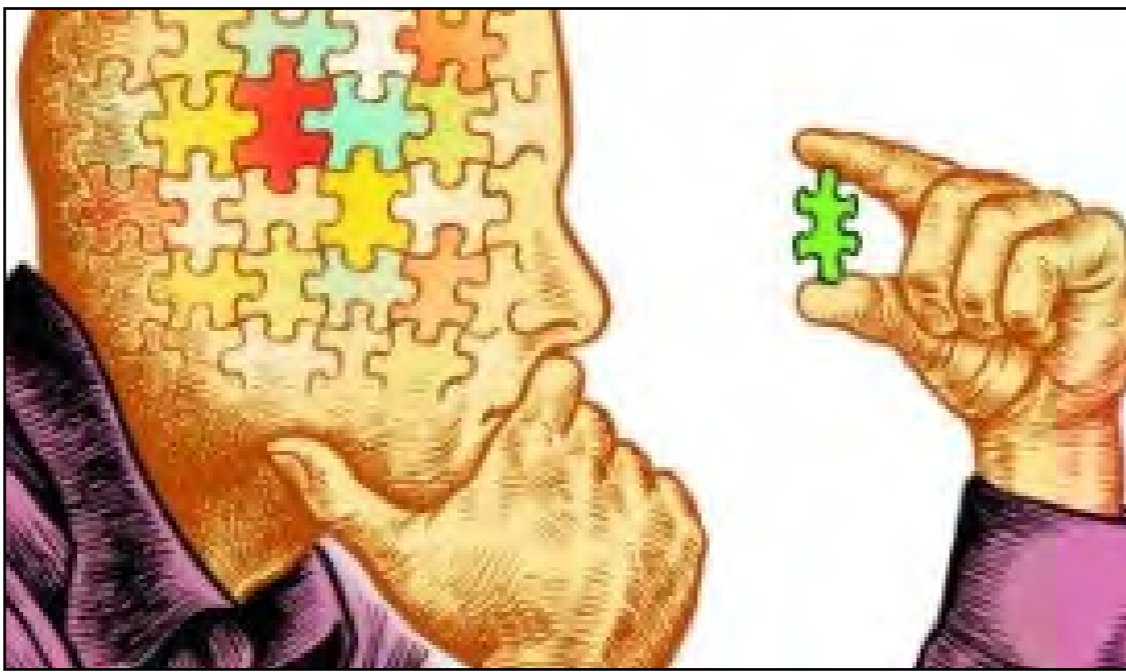
رییس جمهور گرچند سال گذشته طالبان را «مخالفان سیاسی» خوانده بود؛ اما می‌گوید: در برابر آندسته طالبانی که با ما می‌جنگند، قاطعانه مبارزه می‌کنیم. وی در حالی که بر ابعاد خارجی جنگ تأکید می‌ورزد و جنگ افغانستان را یک جنگ تحمیلی از سوی کشورهای خارجی می‌داند، اما جنگ طالبان را در ابعاد داخلی اش مورد توجه قرار می‌دهد.

طالبان با حمایت کشورهای خارجی به وجود آمد و پس از حادثه یازدهم سپتامبر به جنگ علیه آمریکا و متحدانش حاضر شد؛ اما دست از حمایت بن لادن برنداشت. حالا هم رهبران طالبان در کشورهای خارجی به سر می‌برند و تمام تصمیمات شان از خارج و با حمایت خارجی‌ها گرفته می‌شود. تسا هنوز نه تنها طالبان جدایی خود را از شبکه‌های تروریستی اعلام نکرده که رهبران گروه‌های بارها بیعت ششان را با رهبر طالبان اعلام داشته است. حالا سؤال این است که ما باید تا چند سال دیگر با سیاست‌های مبهم، گپج‌کننده و غیر راهبردی، جدایی طالبان را از عوامل خارجی جنگ انتظار بکشیم؟ آیا نازوا دانستن جنگ با طالبان، مشروعیت اقدامات حکومت را در برابر طالبان زیر سؤال نمی‌برد؟

# برداشت کلیشه‌ای و عواقب مخرب آن

محمد علی آونگ

و دوستی دایمی وجود ندارد وقتی با دوستان خود قهر می‌کنیم چنان بد و بیراه نثار نشان می‌کنیم که بعد از حل منازعه ما تا مدت‌ها عذاب وجدان ما را رها نمی‌کند - برداشت قالبی و کلیشه تنها محصول جوامع عقب افتاده نیست بلکه در پیشرفته ترین کشورهای دنیا نیز این دیدگاه هنوز خریداران و طرفداران خواسته و یا ناخواسته خود را دارد - همه روزه این افکار در رفتار و عملکرد هزاران انسان در کشور های متقدم و پیشرفته متبلور و متجلی می‌باشد.



شاید باسبخ دادن به این پرسش که چی عامل و یا عوامل باعث می‌شود تا ما از خود افکار کلیشه‌ای و قالبی نشان دهیم؛ وظیفه اصلی فلسفه و یا علوم رفتاری باشد - ولی مسئله اصلی ما از این نوشته این است که افکار کلیشه‌ای و قالبی باعث وارونه جلوه دادن دنیایی ما می‌شود - قالبی اندیشی گاهی اوقات شبه سراب جلوه می‌نماید این که شما از فاصله دور سرک قیر را با دریا اشتباه بگیرید به میزانی که شما نزدیک می‌شوید جلوه دریا رنگ می‌بازد و سرک قیرگون وضاحت خود را به نمایش می‌گذارد - بودا گفته است: «آن چی شما فکر کنید همان می‌شوید» بنابراین آنچه ما فکر می‌کنیم در واقع در آینده دنیایی ما را می‌سازد پس این افکار کلیشه‌ای باعث می‌شود تا ما از خود کورکورانه تعصب نشان دهیم - قضاوت‌های منجرشود در مورد دوستان؛ محیط پیرامون و همکاران خود داشته باشیم.

حال که برداشت ما از عواقب افکار کلیشه‌ای تا این حد مخرب به نظر می‌رسد پس بهتر است بگوئیم تا از داشتن افکار کلیشه‌ای و قالبی پرهیز کنیم و دنیا را سیاه و سفید بینیم بنابراین برداشت سیاه و سفید خود را از بین ببریم و به این معتقد باشیم که دنیا سیاه و سفید نیست؛ و همچنان انسان‌ها را به خوب و بد تقسیم نکنیم شاید ما به عنوان انسان مجموعه‌ای از خوبی و بدی باشیم و باورمند به این که دنیا پرست از آدم‌های که عملکرد خوب و بد از خود نشان می‌دهد و همین تنسبیت باوری باعث می‌شود تا ما آدم‌های بهتری شویم و از خود عملکرد های بهتری نشان دهیم که همین باعث شود تا ما دنیایی بهتری بسازیم؛ و مصداق همین شعر از عمر خیام باشیم: قومی متفکرند اندر ره دین - قومی به گمان فتنه در راه یقین ترسم از آن که بانگ آید روزی - کای بیخبران راه نه آنتست و نه این.

رومان مدرن سوزده «من» است؛ این من راوی می‌تواند یک پولاتی فروش سرکوجه خود ما یا همان کودک خوردسال که از فقر و تنگ دستی بجای این که هر صبح وقت مادرش لباس‌اش را و تسو بزند و مویش را شانه کند تا به مکتب برود؛ مشغول درس خواندن باشد در میان زباله‌ها دنبال جعبه های فلزی کوچک و اشیای می‌گردد تا از فروش آن به مادر و پدرش کمک کند. صرف نظر از زمان و آثار ادبی وقتی به روزنامه‌ها و مقاله‌ها در انترنت سر می‌زنیم چی قدر تلاش می‌کنیم تا از نویسنده یک مطلب چشم پوشی کنیم و یک نوشته را به خاطر ارزش ذاتی آن بخوانیم به گمان اغلب عده‌ای محدودی از ما بناتوئیم از نویسنده چشم پوشی کرده و دنبال خود نوشته برویم - همچنان فیلم‌های را که روزمره تماشا می‌کنیم آیا یک فیلم و برنامه تلویزیونی را بر مینا موضوع و ارزش کار هنری اش تماشا می‌کنیم یا نه بخاطری که ستاره دلخواه ما در آن ایفا نقش نموده است؟ آیا گاهی بعد از دیدن یک فیلم وقتی از سینما خارج شده‌ایم در مورد فکر کرده‌ایم؟ آیا این پرسش را با خود مطرح کرده‌ایم که اگر بجای ستاره دلخواه ما کسی دیگری در این فیلم این نقش را ایفا می‌کرد ما به صورت یکسان دوست می‌داشتیم و از دیدنش آن طوری

میلان کوندرا نویسنده‌های اهل چک که بعد از سال ۱۹۷۵ ساکن فرانسه شد، می‌نویسد: «رمان نویسنده خانه زندگی‌اش را ویران می‌سازد تا با سنگ‌ها خانه رمان خود را بنا کند». همین طور گوستا فلوبر باورمند بود که «رمان نویسنده باید در پس اثر خود ناپدید شود». هدف اساسی میلان کوندرا این بود که رمان‌های بزرگ باید بدون پیش فرض‌های زندگی‌نامه نویسان خوانده و نقد شود و به قول ویلادامیر ناکوف از فضولی در زندگی شخصی نویسنده‌گان باید پرهیز کرد. راستی خوانندگان در سراسر دنیا تا چی اندازه به گفته‌های میلان کوندرا و گوستاو

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده  
دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷

افغانستان The Daily Afghanistan  
Daily Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Newspaper

روزنامه  
افغانستان  
The Daily Afghanistan  
Daily Outlook  
AFGHANISTAN  
The Leading Independent Newspaper